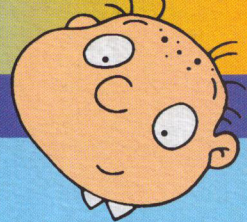




۲۶

فسقلی‌ها



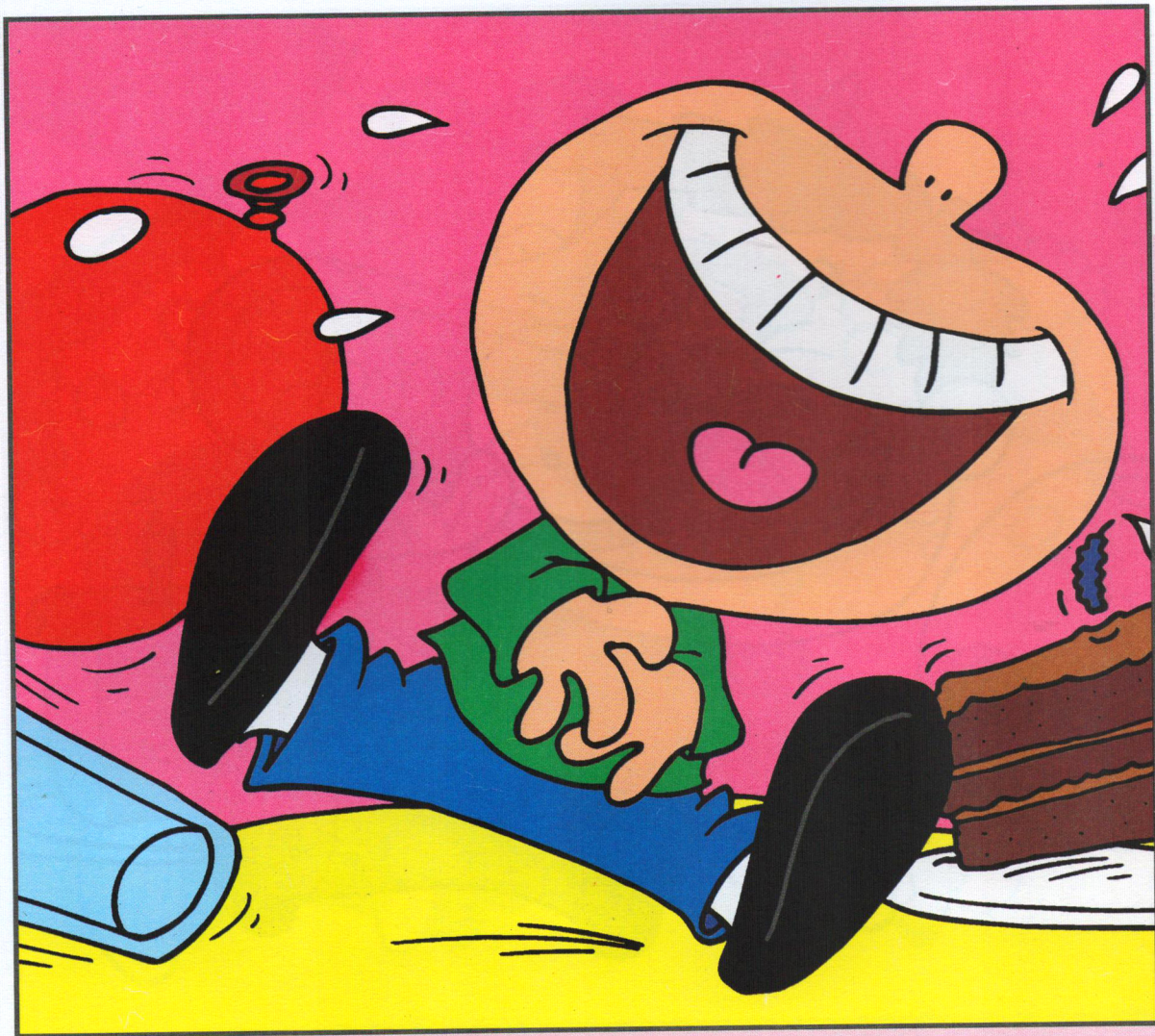
# قلی قلقلکی

نوشته تونی گراس • ترجمه میترا لبافی

مونا



برای پیش‌دبستانی‌ها و سال‌های اول و دوم



او دیگر نمی توانست جلوی خنده اش را بگیرد. دستش را روی  
شکمش گذاشته بود و می خندید.  
کمی بعد، او از خنده، روی زمین ولو شد. می خندید و شانیه هایش  
تکان می خورد.